



www.rouzGar.com

## من زن می خواهم

جودی بردی — برگردان: رضا اسپیلی

جودی بردی (Judy Brady)، (۱۹۳۷-) در سانفرانسیسکو به دنیا آمد. او فمینیست، فعال سیاسی و زیست محیطی و نویسنده‌ای مستقل است. داستانی که ملاحظه می‌کنید مشهورترین نوشته‌ی اوست که در مجله‌های MS. Magazine و نیز در MS. به چاپ رسیده است. او در پاسخ به خبرنگاری که از او پرسید: «چرا با همه‌ی اشتهاری که دارید تاکنون جایزه‌ی ادبی نگرفته‌اید؟» گفت: «کارهایی که من می‌کنم، از نوع کارهایی نیست که جایزه بگیرند.»

من جزو آن دسته‌بندی‌یی از مردم هستم که اسمش را گذاشته‌اند زن. من یک همسر و البته نه کاملاً اتفاقی یک مادر.

خیلی وقت پیش نبود که یکی از دوستانم، خوشحال از طلاق اخیرش به خانه‌ی ما آمد. بچه‌ای داشت که البته پیش زن سابقش بود. او می‌خواست دوباره ازدواج کند. یک روز عصر که داشتم اتو می‌کشیدم و به این قضیه فکر می‌کردم، ناگهان به این فکر افتادم که من هم دوست دارم زن داشته باشم. چرا که نه؟

خیلی دوست دارم به دانشکده برگردم و از نظر اقتصادی استقلال داشته باشم و بتوانم از پس خودم بربیایم و اگر لازم باشد، به بستگانم هم کمک مالی می‌کنم. من زنی می‌خواهم که کار کند تا بتوانم به دانشکده بروم و وقتی به دانشکده می‌روم از کودکانم مراقبت کند و حواسش به وقت دکتر و دندان‌پزشک بچه‌ها و همین‌طور من باشد. من زن می‌خواهم تا مطمئن باشم که بچه‌هایم خوب غذا می‌خورند و همیشه تمیزند. زنی که لباس‌های بچه‌ها را بشوید و آن‌ها را رُفُو کند. زنی که بچه‌هایم را تروخشک کند و مراقب درس و مشق‌شان باشد و از زندگی اجتماعی مناسب آن‌ها با هم‌سن و سال‌های‌شان مطمئن باشد و آن‌ها را به پارک و باغ‌وحش و... ببرد. زنی می‌خواهم که وقتی

بچه‌هایم بیمار شدند از آن‌ها پرستاری کند، زنی که وقتی بچه‌ها نیازمند مراقبت ویژه‌اند، دوروبرشان باشد چرا که البته من نمی‌توانم کلاس‌های دانشکده‌ام را تعطیل کنم. زمن باید جوری تنظیم کند که بدون این که کارش را از دست بدهد، زیاد برای کارش وقت نگذارد، یعنی گاه‌گاهی درآمد کم‌تری داشته باشد که چه کنم، این را تحمل می‌کنم. البته خوب، معلوم است وقتی زمن کار می‌کند، باید هزینه‌ی بچه‌داری را بپردازد.

زنی می‌خواهم که مراقب نیازهای جسمی من باشد. زنی که خانه‌ام را تمیز کند. زنی که به من و بچه‌هایم برسد. زنی که لباس‌هایم را بشوید، اتوشان بزند، رفوشان کند و در موقع لزوم عوض‌شان کند و ببیند آیا لوازم شخصی‌ام درست سر جای‌شان هستند آن‌جور که وقتی بهشان نیاز پیدا کردم، همان لحظه، بتوانم به راحتی پیدایشان کنم. من زنی می‌خواهم که غذا بپزد و آشپزی‌اش خوب باشد. من زنی می‌خواهم که برنامه‌ی غذایی داشته باشد، خریدهای لازم را بکند، غذا آماده کند آن هم با لذت و خوشحالی و وقتی من دارم مطالعه می‌کنم، نظافت کند. من زنی می‌خواهم که وقتی بیمار شدم از من مراقبت کند و با من درد بکشد و ناراحتی از دست دادن کلاس‌هایم را درک کند. زنی می‌خواهم که وقتی با خانواده‌ام برای استراحت و تنوع به تعطیلات می‌رویم، تا آن‌جا پیش برود که کسی را برای مراقبت از من و بچه‌هایم بگمارد.

من زنی می‌خواهم که با شکایت‌های بی‌سروته از وظایف زن‌ها آزارم ندهد. اما وقتی در جریان مطالعاتم، احساس کردم باید مشکلی را با او در میان بگذارم، به من گوش کند. زنی می‌خواهم که بعد از نوشتن مقاله‌هایم آن‌ها را برایم تایپ کند.

من زنی می‌خواهم که مراقب جزئیات زندگی اجتماعی‌ام باشد. وقتی دوستان، من و زمن را دعوت می‌کنند، حواسش به بچه‌ها باشد. زنی می‌خواهم که وقتی دوستان دانشکده‌ام را به خانه دعوت می‌کنم، خانه را تمیز و مرتب کند، غذای خوبی تدارک ببیند و آن را برای من و دوستانم بکشد و بیاورد و وقتی با دوستانم درباره‌ی علایق مشترک حرف می‌زنیم، صحبت‌مان را قطع نکند. زنی که به بچه‌ها غذا بدهد و قبل از رسیدن دوستانم بخواباندشان تا بچه‌ها ما را اذیت نکنند. زنی که مراقب نیازهای دوستانم باشد، چنان‌که آن‌ها احساس راحتی کنند: مطمئن باشد که زیرسیگاری‌ها سر جای‌شان هستند، مهمان‌ها غذای‌شان را خورده‌اند، پُرس دوم غذا را آورده، لیوان‌های شراب‌شان به موقع پر شده و اگر مهمان‌ها بخوانند قهوه‌شان هم آماده است. زنی می‌خواهم که بفهمد بعضی وقت‌ها دلم می‌خواهد یک شب را با خودم بیرون باشد.

زنی می‌خواهم که نسبت به نیازهای جسمی‌ام حساس باشد، زنی که وقتی احساس نیاز به او را دارم، با شور و اشتیاق با من همراهی کند، زنی که مطمئن باشد مرا راضی کرده و البته زنی که وقتی حس و حالش را ندارم از من توقع... و توجه به خودش را نداشته باشد. زنی می‌خواهم که مسوولیت کامل کنترل زایمان را بپذیرد چرا که بچه‌های بیش‌تری نمی‌خواهم. زنی می‌خواهم که از نظر جنسی به من وفادار بماند، چنان‌که مجبور نباشم زندگی روشن‌فکری‌ام را با حسادت درهم بریزم. و زنی می‌خواهم که درک کند ممکن است نیازهای جنسی‌ام از وفاداری کامل به تک‌همسری فراتر برود. از این‌ها گذشته باید بتوانم تا آن‌جا که می‌شود با مردم رابطه برقرار کنم.

اگر اتفاقاً من کس دیگری را پیدا کردم که نسبت به زنی که دارم، برایم مناسب‌تر بود باید آزادی تعویض زمن را

داشته باشم، طبیعی است اگر من انتظار زندگی جدید و تازه‌ای داشته باشم؛ زنم از بچه‌ها مراقبت می‌کند و به تنهایی مسوول آنها خواهد بود تا من آزاد بمانم.

وقتی از دانشکده بیرون آمدم و برای خودم کاری پیدا کردم، از زنم می‌خواهم دست از کار بکشد و در خانه بماند تا وظایف زنانه‌اش را درست و حسابی انجام دهد.

خدای من، چه کسی زن نمی‌خواهد!!